

مقایسه استعاره مفهومی دشمنی در متون فارسی میانه و فارسی دری (مقایسه موردی: مینوی خرد و گلستان سعدی)

آناهیتا پرتوی^۱، حسین قاسمی^۲، مراد باقرزاده کاسمانی^۳

چکیده

مینوی خرد متنی اندرزی به زبان فارسی میانه و شامل پاسخ‌هایی است که شخصیت خیالی "دانا" از مینوی خرد می‌پرسد. گلستان سعدی، کتابی منثور مشتمل بر دیباچه و هشت باب به قلم سعدی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی به مقایسه استعاره مفهومی دشمنی در دو متن مینوی خرد و گلستان سعدی می‌پردازد. دشمنی با ۵ مورد رخداد در مینوی خرد و با ۴ مورد رخداد در گلستان سعدی یکی از ردایب اخلاقی مشترک در این دو متن است. پس از استخراج همه نام‌نگاشت‌های دشمنی در دو متن، ۴ نام‌نگاشت: شیء، عمل، ابزار و وضعیت برای مفهوم دشمنی یافت شد. نام‌نگاشت‌های شیء و عمل با تفاوت بسامد، در هر دو متن مشترک بود. پربسامدترین نام‌نگاشت‌ها «دشمنی عمل است» با ۴۰٪ رخداد در مینوی خرد و با ۷۵٪ رخداد در گلستان مشاهده شد. «دشمنی شیء است» در مینوی خرد ۲۰٪ رخداد و در گلستان سعدی ۲۵٪ رخداد مشاهده شد. «دشمنی ابزار است» و «دشمنی وضعیت است» فقط در مینوی خرد مشاهده شد که شاید دلالت بر این امر داشته باشد که نگارنده یا نگارندگان مینوی خرد علاوه بر این که معتقد بودند که دشمنی می‌تواند یک عمل باشد، اعتقاد به ابزار بودن و وضعیت بودن دشمنی نیز داشتند که در گلستان سعدی مشاهده نشد. وجود ۷۵٪ رخداد «دشمنی عمل است» در گلستان سعدی شاید دلالت بر عمل‌گرا بودن نویسنده این اثر دارد که دشمنی را بیش از هر نام‌نگاشت دیگری یک عمل می‌داند.

واژه‌های کلیدی: مینوی خرد، گلستان سعدی، دشمنی، نام‌نگاشت.

* مقاله پژوهشی مستخرج از رساله دکتری می‌باشد.

- ۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.
anahitapartovi@yahoo.com
- ۲- استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران (نویسنده مسئول).
hossein_gh53@yahoo.com
- ۳- استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشکده زبان و ادبیات، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.
kasmankola@yahoo.com.

۱- مقدمه

مینوی خرد کتابی است به زبان پهلوی (فارسی میانه) شامل یک مقدمه و ۶۲ پرسش که هریک با سؤالی از «دانا» آغاز می‌شود و مینوی خرد (مینو به معنی «ذات» و «اصل» و «باطن») (دالوند، ۱۳۹۹: ۲۶) به آن پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. مینوی خرد مثل دیگر کتب کهن ایرانی منبع پند و اندرز است. گلستان نوشته شاعر و نویسنده پرآوازه ایرانی سعدی شیرازی است. به باور بسیاری، گلستان تأثیرگذارترین کتاب نثر در ادبیات فارسی است که به نثر مسجع (آهنگین) با یک دیباچه و هشت باب نوشته شده است. بیشتر نوشته‌های آن کوتاه و به شیوه داستان‌ها و پندهای اخلاقی و اندرزی است و در سال ۶۵۶ هجری قمری، نگاشته شده است (مصاحب، ۱۳۵۶: ۲۴۵۸).

در پژوهش حاضر سعی شده است تا با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی استعاره مفهومی دشمنی در دو متن مینوی خرد و گلستان سعدی پرداخته شود. ابتدا به روش کتابخانه‌ای به شرح نظریه استعاره معاصر و مفاهیم مطرح در این حوزه پرداخته شده، سپس استعاره دشمنی در این دو متن، بررسی شده است.

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

با در نظر گرفتن دو متن اندرزی مینوی خرد و گلستان سعدی، به نظر می‌رسد وجوه افتراق و اشتراک در نامنگاشت‌های استعاره دشمنی در این دو متن وجود داشته باشد. در این پژوهش تلاش بر این است که نامنگاشت‌های استعاره دشمنی در این دو متن استخراج و به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها با یکدیگر پرداخته شود.

در این تحقیق بدین سؤال پاسخ داده می‌شود: وجوه افتراق و اشتراک نامنگاشت‌های دشمنی در مینوی خرد و گلستان سعدی چیست؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف از این پژوهش بررسی استعاره‌های مضمون اخلاقی «دشمنی» در دو

اندرزنامه مینوی خرد و گلستان سعدی با رویکرد شناختی است. زبان‌شناسی شناختی جایگاه ویژه‌ای در علوم شناختی دارد؛ چرا که در این علم از طریق زبان به بررسی کارکردهای شناختی و فرآیندهای پنهان ذهن پرداخته می‌شود. لیکاف و جانسون (Lakoff and Johnson) با کشف نظام گسترده‌ای از استعاره‌های روزمره و متعارف امکان ایجاد نظریه معاصر استعاره را فراهم ساختند که در آن تفکر و ذهن دارای ماهیت استعاری است. در این قالب مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه در قالب حوزه‌ای دیگر بیان می‌شود؛ یعنی ذهن انسان مفاهیم انتزاعی (حوزه مقصد) را با بهره‌گیری از مفاهیم عینی (حوزه مبدأ) درک می‌کند.

زبان فارسی به‌عنوان خاستگاه بنیانی بزرگ و دیرینه، مورد توجه زبان‌شناسان جهان واقع شده است. این پژوهش می‌تواند اطلاعات لازم برای این امر مهم را فراهم آورد. همچنین تهیه پیکره‌ای از استعاره‌های مفهومی مضامین اخلاقی، می‌تواند دستاورد مهمی برای زبان‌شناسی، مطالعات اخلاقی، فلسفه، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی به ارمغان آورد. تهیه پیکره‌های استعاره‌های مفهومی علاوه بر این که ابزاری برای شناخت تفاوت‌های فرهنگی میان جوامع مختلف می‌باشند، معرف مشترکات میان آن‌ها و از همه مهم‌تر استعاره‌های مفهومی جهان‌شمول نیز هستند. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. برای مقایسه و تحلیل، تمامی نام‌نگاشت‌های مفهوم دشمنی در دو متن استخراج شدند. ۴ نام‌نگاشت در مینوی خرد عبارت بودند از: «دشمنی عمل است»، «دشمنی وضعیت است»، «دشمنی شیء است» و «دشمنی ابزار است» و ۲ نام‌نگاشت در گلستان سعدی عبارت بودند از: «دشمنی شیء است» و «دشمنی عمل است».^۱

۳-۱- پیشینه تحقیق

در زمینه مفاهیم اخلاقی در متون مذهبی و ادبیات فارسی مطالعات بسیار گسترده‌ای صورت گرفته است که به بیان برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱- برگردان فارسی متن پهلوی مینوی خرد که در پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، ترجمه دکتر

فضائلی و ابراهیمی (۱۳۹۳) تحقیقی با هدف بررسی چگونگی مفهوم‌سازی «غم» در اشعار مسعود سعد سلمان انجام داده‌اند.

مرادی و پیرزاد (۲۰۱۴) مفهوم «خشم» را در دو زبان انگلیسی و فارسی که از نظر رده‌شناختی دو زبان متفاوتند، طبق نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) مورد توجه قرار داده‌اند.

ملکیان و ساسانی (۱۳۹۳) مفهوم‌سازی «خشم» را در زبان فارسی به کمک ساز و کار شناختی استعاره بررسی کرده‌اند.

تباری (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود ضمن توضیح ارتباط با زبان‌شناسی شناختی و همچنین زبان‌شناسی پیکره‌ای به استعاره‌های مفهومی نیز پرداخته است.

حامدی شیروان و شریفی (۱۳۹۴) به بررسی استعاره‌های شناختی «خشم» و «کینه» در پنج داستان از شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند.

قاسمی (۱۳۹۴) به بررسی استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری واژه «غم» در اشعار فریدون مشیری پرداخته است.

مولودی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی مفهوم‌سازی استعاری «خشم» در زبان فارسی بر اساس نظریه استعاره مفهومی می‌پردازند.

بختیاری و سراج (۱۳۹۵) استخراج حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره‌های مفهومی در شاهنامه فردوسی و بررسی تطبیقی با حوزه‌های مبدأ و مقصد رایج، بر اساس دیدگاه کووچش (۲۰۱۰) را انجام داده‌اند.

دیلیمقانی (۱۳۹۵) تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی را با توجه به نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و دستاوردهای مطالعات در زمانی و درون فرهنگی و قومی به‌ویژه کووچش (۲۰۱۰) بررسی کرده است. در این تحلیل عواطفی چون شادی، خشم، غم، شرم، ترس، عشق، حیرت، نگرانی و درد با حوزه‌های مبدأ نگاشته شده‌اند.

قوچانی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی استعاره‌های مفهومی «ترس» با رویکردی شناختی و پیکره‌ای پرداخته‌اند. پس از تحلیل داده‌ها مشخص شد که حوزه‌های مبدأ «ماده»، «نیرو» و «حرکت» که پربسامدترین نام‌نگاشت آن مربوط به فعل حرکتی لرزیدن بود، بیشترین فراوانی را در مفهوم‌سازی حوزه «ترس» نزد

فارسی‌زبانان دارند.

همّتی و همکاران (۱۳۹۵) در چارچوب نظریه استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰) حرکت استعاری را در پیکره‌ای مشخص از زبان فارسی بررسی کرده‌اند که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیم انتزاعی افکار، زمان و عواطف پربسامدترین مفاهیمی بوده‌اند که در زبان فارسی از طریق حوزه مبدأ حرکت بیان شده‌اند.

عشرت ثقفی، مصطفی عاصی، آریتا افراشی (۱۳۹۶) مفهوم شجاعت در زبان فارسی در طول زمان را تحلیل کرده‌اند.

شریفی‌مقدم، آزادپخواه و ابوالحسنی‌زاده (۱۳۹۶) به بررسی و مقایسه استعاره‌های مفهومی شادی و غم در سروده‌های شاعر معاصر، پروین اعتصامی (۱۲۸۵-۱۳۲۰) پرداخته‌اند.

حسین قاسمی، محمد عارف امیری، نادیا حاجی‌پور و آناهیتا پرتوی (۱۳۹۶) در مقاله «استعاره مفهومی "غم" در اشعار ملاعلی فاخر» به بررسی استعاره مفهومی غم در اشعار ملاعلی فاخر پرداخته‌اند.

سراج و بختیاری (۱۳۹۷) به بررسی استعاره‌های مفهومی اخلاق در شاهنامه فردوسی با رویکرد شناختی پرداخته است.

فاطمه کوشکی، مصطفی عاصی و آریتا افراشی (۱۳۹۸) به بررسی روند مفهوم‌سازی «عشق و نفرت» بر مبنای دو پیکره تاریخی و معاصر داده‌های زبان فارسی پرداخته‌اند.

آناهیتا پرتوی، سهیل سعادت‌نیا و نادیا حاجی‌پور (۱۳۹۸) در مقاله «استعاره‌های مفهومی غم در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه» به بررسی استعاره غم در اشعار ملاعلی فاخر و مسعود سعد سلمان پرداخته‌اند، اما تاکنون پژوهشی با هدف بررسی و مقایسه استعاره مفهومی نیکی بر روی متون اندرزی مینوی خرد و گلستان سعدی صورت نگرفته است.

۲- بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱- استعاره مفهومی

به اعتقاد لیکاف و جانسون شناخت حوزه‌های مفهومی ذهنی، مبنایی استعاری دارد و نظام مفهومی محصول عملکرد مفهوم‌سازی استعاری است. این نظام مفهومی دارای نقش اصلی در تبیین واقعیات روزمره زندگی است و از آن‌جاکه این نظام ساختاری استعاری دارد، شیوه اندیشیدن، تجربه اندوختن و عمل کردن ما نیز زیربنای استعاری دارد (افراشی، ۱۳۹۵: ۶۶). استعاره از دید ایشان صرفاً ابزاری برای تصویرسازی‌های شاعرانه و نوعی آرایه ادبی نیست (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۳)، بلکه جوهره اصلی استعاره تجربه و فهم یک چیز به وسیله چیزی دیگر است (همان: ۵). لیکاف و جانسون معتقدند از آن‌جاکه مفاهیم و فعالیت‌های (کنش‌های) ما به صورتی استعاری ساختار یافته‌اند، در نتیجه زبان ما نیز به شیوه‌های استعاری ساختار یافته‌است. ما به‌ندرت از استعاره‌های از پیش انگاشته شده در کاربرد روزمره زبان‌مان آگاهی داریم. این استعاره‌ها صرفاً درون واژه‌هایی که به کار می‌بریم، وجود ندارند، بلکه در مفاهیمی که به‌صورت روزمره از آن‌ها استفاده می‌کنیم، نیز حضور دارند. ما در مورد یک چیز به شیوه‌ای خاص صحبت می‌کنیم؛ زیرا در واقع آن را به همان صورت تصور می‌کنیم و این فرایند به همین صورت دست‌به‌دست می‌شود تا به شیوه عملکرد ما می‌رسد (همان: ۵-۷).

استعاره‌های مفهومی ساز و کارهای ذهنی‌اند و همگی آن‌ها باز نمود زبانی نمی‌یابند، بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و رسوم و نمادها نیز ظاهر می‌شوند (کووچش، ۲۰۱۰: ۶۳).

کووچش نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون را به این صورت خلاصه کرده است:

۱. استعاره خاصیتی مربوط به مفاهیم است و نه واژه‌ها؛
۲. نقش استعاره فهم بهتر مفاهیمی خاص است و نه صرفاً آفرینش‌های ادبی و زیبایی‌شناختی؛
۳. استعاره‌ها اغلب بر مبنای شباهت به وجود نیامده‌اند؛

۴. استعاره روزانه و بدون صرف زحمت توسط افراد عادی به کار گرفته می‌شود و نه فقط توسط افرادی با استعدادهای ویژه؛

۵. استعاره به جای آن که نوعی زینت زبانی زائد باشد، نوعی فرایند گریزناپذیر تفکر و استدلال انسان است (کووچش، ۲۰۱۰: ۶۳).

جالب‌ترین پژوهش معناشناسان شناختی به تحقیق درباره استعاره بازمی‌گردد. در پژوهش‌هایی نظیر لیکاف و جانسون، بر این نکته تأکید شده است که استعاره، عنصری بنیادین در مقوله‌بندی ما از جهان خارج و فرآیندهای اندیشیدن ماست و به ساخت‌های بنیادین دیگری از قبیل «طرح‌واره‌های تصویری» یا «فضاهای ذهنی» و جز آن مربوط می‌شود (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۷).

نظریه امروزی استعاره معتقد است که «استعاره‌ها شباهت ایجاد می‌کنند و این برخلاف نظریه سنتی استعاره یا همان نظریه مقایسه است. نظریه مقایسه مدعی است که الف- استعاره‌ها مسائل زبانی‌اند نه مرتبط با تفکر یا عمل. ب- استعاره الف، ب است، عبارتی زبانی است و در واقع مثل این است که بگوئیم الف، شبیه ب است. ج- استعاره تنها به توصیف شباهت‌های از پیش موجود می‌پردازد و خود سازنده شباهت نیست، اما نظریه معاصر استعاره معتقد است که: الف- استعاره عمدتاً به تفکر و عمل مربوط است و تنها از نظر اشتقاق مسئله‌ای زبانی است. ب- استعاره‌ها می‌توانند بر پایه شباهت‌ها باشند؛ هر چند در بسیاری از موارد شباهت‌ها خود بر مبنای آن نوع استعاره‌های قراردادی هستند که بر مبنای شباهت شکل نگرفته‌اند. ج- وظیفه اصلی استعاره فراهم نمودن درک نسبی از یک نوع تجربه بر اساس نوع دیگر تجربه است، این امر ممکن است مستلزم شباهت‌های مجزای قبلی یا بر اساس شباهت‌های جدید باشد» (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۷۳).

نگاشت، مفهوم اصلی در نظریه استعاره‌های مفهومی است. این اصطلاح از ریاضیات به زبان‌شناسی وارد شده است و بر تناظرهای نظام‌مندی دلالت می‌کند که میان برخی حوزه‌های مفهومی وجود دارد. لیکاف الگوهای ثابتی نظیر «عشق سفر است» را نام‌نگاشت می‌نامد که در واقع بازنمود زبانی فرایند ذهنی استعاره است و نگاشت را مجموعه‌ای از تناظرهای موجود بین دو طرف استعاره می‌داند (افراشی، ۱۳۹۵: ۶۷-۶۸). نام‌نگاشت «عشق سفر است» از حوزه مقصد عشق، حوزه مبدأ سفر

و نگاشت مفاهیم حوزه سفر بر مفاهیم حوزه عشق تشکیل شده است. به این ترتیب با توجه به این که: «هر نگاشت الگویی ثابت از تناظرهای مفهومی بین دو حوزه مبدأ و مقصد است» (لیکاف و جانسون، ۱۹۹۳: ۲۱۲)، در این استعاره یک تناظر نظام‌مند و هستی‌شناختی بین آنچه در حوزه مقصد است، با آنچه در حوزه مبدأ است، وجود دارد.

۲-۲- معنی‌شناسی شناختی

اصطلاح معنی‌شناسی شناختی نخستین بار از سوی لیکاف مطرح شد. بر اساس این نگرش، دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. لیکاف بر خلاف افرادی چون فودور و چامسکی، رفتار زبانی را بخشی از استعدادهای شناختی انسان می‌داند؛ استعدادهایی که برای آدمی امکان یادگیری، استدلال و تحلیل را فراهم می‌آورند. در این دیدگاه، «دانش زبانی بخشی از شناخت عام آدمی است» (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۶).

در معنی‌شناسی شناختی، معنی بر ساخت‌های تصویری و مفهومی قراردادی استوار است؛ از این‌رو ساخت معنی، مانند سایر حوزه‌های شناختی، بازتاب «مقوله ذهنی» است که افراد در حین رشد از تجارب و اعمال خود به آن شکل می‌دهند. در ادبیات معنی‌شناسی شناختی، ساخت‌ها و فرایندهای تصویری زیادی شناسایی شده‌اند، اما به استعاره توجه ویژه‌ای شده است (سعید، ۱۹۹۷: ۳۵۶).

۲-۳- قهر و دشمنی در مینوی خرد و مثنوی

چه اهرمن گفتار دروغ بد اندیشد و کارش خشم و کین و قهر است (۹/۵)!

در این جمله، قهر به صورت کار یا عمل است.

و آشتی را ببرد و قهر آورد (۱۵/۳۵).

در جمله بالا، قهر شیء است.

و نوزدهم کسی که دشمنی با کسی نکند (۳۶/۲۲).

دشمنی نکردن، عمل است.

و آنچه در مورد هیچ‌کس نباید به کار برده شود، کین و دشمنی است (۳۸/۳۵).
با توجه به فعل به کار برده شده در جمله فوق، می‌توان قهر را به صورت
نام‌نگاشت ابزار در نظر گرفت.

و خوشی‌اش از دشمنی مردمان (با یکدیگر) بیشتر است (۴۴/۹).

در جمله بالا، دشمنی وضعیت است.

مفهوم‌سازی قهر و دشمنی دارای ۴ نام‌نگاشت است. «قهر و دشمنی عمل است»
با دو رخداد و «قهر و دشمنی شیء است»، «قهر و دشمنی ابزار است» و «قهر و
دشمنی وضعیت است» هرکدام با یک رخداد در مینوی خرد مشاهده شد
(نمودار ۱).

۲-۴- خصمی، عداوت، منازعت و دشمنی در گلستان سعدی

ملک پرسید که موجب خصمی (دشمنی) اینان در حق تو چیست؟ گفت: در سایه
دولت خداوندی، دام ملکه، همگان را (همه کسان) راضی کردم، مگر حسود را که
راضی نمی‌شود الا به زوال نعمت من و اقبال و دولت خداوند باد (سعدی، ۱۳۷۴: ۶۷).
خصمی عمل است.

روی ازین سخن در هم کشید و به زندانش فرستاد. بسی برنیامد که بنی عم
سلطان به منازعت خاستند (به ستیزه و دشمنی قیام کردند) و ملک پدر خواستند
(همان: ۷۲)

منازعت عمل است.

مردم قریه به علت جاهی که داشت، بلیتش می‌کشیدند و اذیتش را مصلحت
نمی‌دیدند تا یکی از خطبای آن اقلیم که با او عداوتی نهانی داشت، باری پیرش
آمده بودش. گفت: ترا خوابی دیده‌ام، خیر باد (همان: ۳۲۶)
عداوتی شیء است.

چه حاجت که با او کنی دشمنی؟ که او را چنین دشمنی در قفاست

(همان: ۵۷۵)

دشمنی عمل است.

مفهوم‌سازی خصمی و دشمنی در گلستان سعدی به دو صورت «خصمی و دشمنی عمل است» با سه رخداد و «خصمی و دشمنی شیء است» با یک رخداد وجود دارد (نمودار ۲).

در ادامه هریک از این مقادیر جهت مقایسه دو متن مینوی خرد و گلستان سعدی با یکدیگر به درصد محاسبه شده است (نمودار ۳) و (نمودار ۴).

۳- نتیجه‌گیری

«دشمنی عمل است» با ۴۰٪ رخداد در مینوی خرد و ۷۵٪ رخداد در گلستان سعدی از بالاترین بسامد برخوردار است. افزون بر «دشمنی عمل است» که در هر دو متن مشاهده شد، «دشمنی شیء است» با ۲۰٪ رخداد در مینوی خرد و ۲۵٪ رخداد در گلستان سعدی، دومین نام‌نگاشت مشترک در هر دو متن است. نام‌نگاشت‌های «دشمنی ابزار است» با ۲۰٪ رخداد و «دشمنی وضعیت است» با ۲۰٪ رخداد تنها در مینوی خرد مشاهده شدند و در گلستان سعدی وجود نداشتند (←نمودار ۵).

وجود ۷۵٪ رخداد «دشمنی عمل است» در گلستان سعدی شاید دلالت بر عمل‌گرا بودن نویسنده این اثر را دارد که دشمنی را بیش از نام‌نگاشت دیگری یک عمل می‌داند.

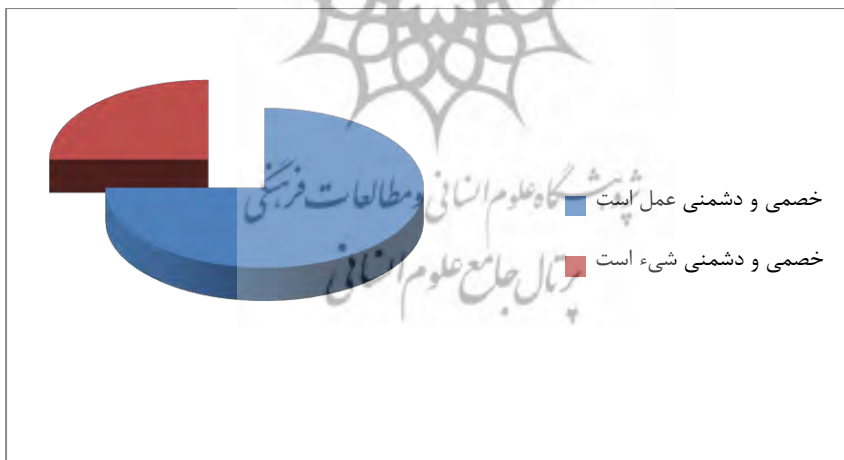
اگرچه «دشمنی عمل است» با ۴۰٪ رخداد در مینوی خرد بیشترین رخداد را داشت، اما با توجه به وجود نام‌نگاشت‌های دیگر مانند «دشمنی شیء است»، «دشمنی ابزار است» و «دشمنی وضعیت است» می‌توان گفت نگارنده یا نگارندگان مینوی خرد علاوه بر این که معتقد بودند که دشمنی می‌تواند یک عمل باشد، اعتقاد به ابزار بودن و وضعیت بودن دشمنی نیز داشتند.

نگارنده یا نگارندگان مینوی خرد و نویسنده گلستان نام‌نگاشت «دشمنی شیء است» را با رخداد بسیار نزدیک به هم یعنی ۲۰٪ در مینوی خرد و ۲۵٪ در گلستان به کار برده‌اند.

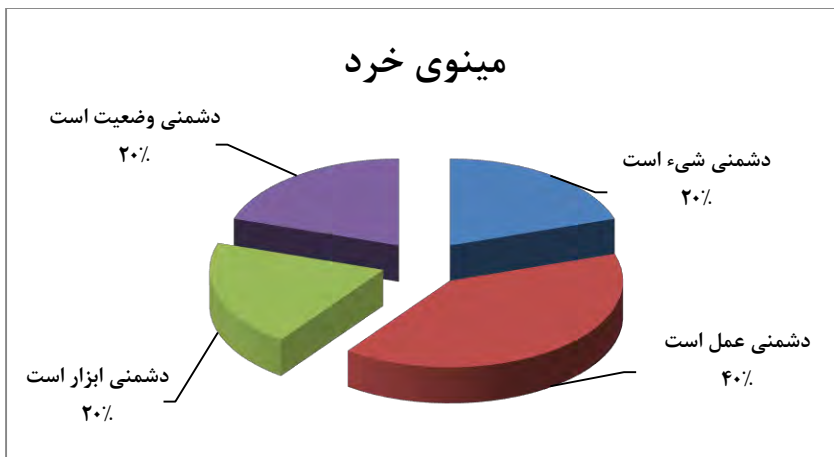
ضمایم (نمودارها و جداول)



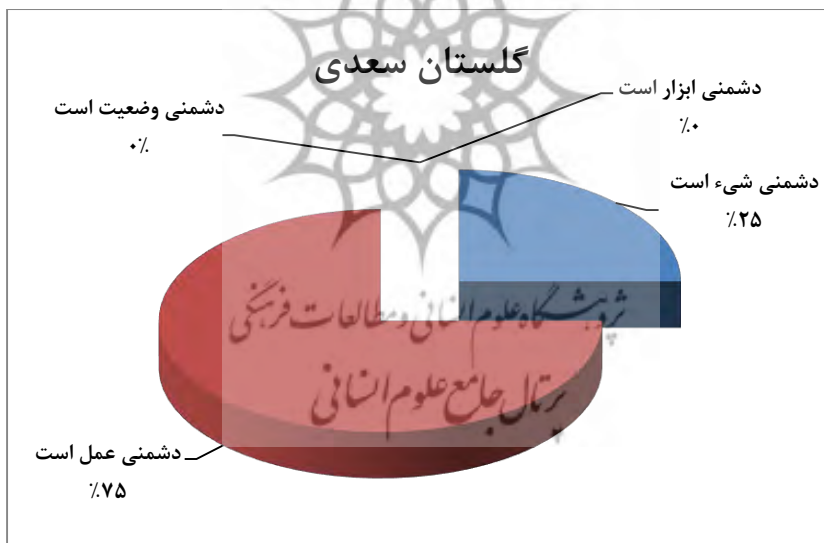
نمودار ۱- استعاره مفهومی قهر و دشمنی در مینوی خرد



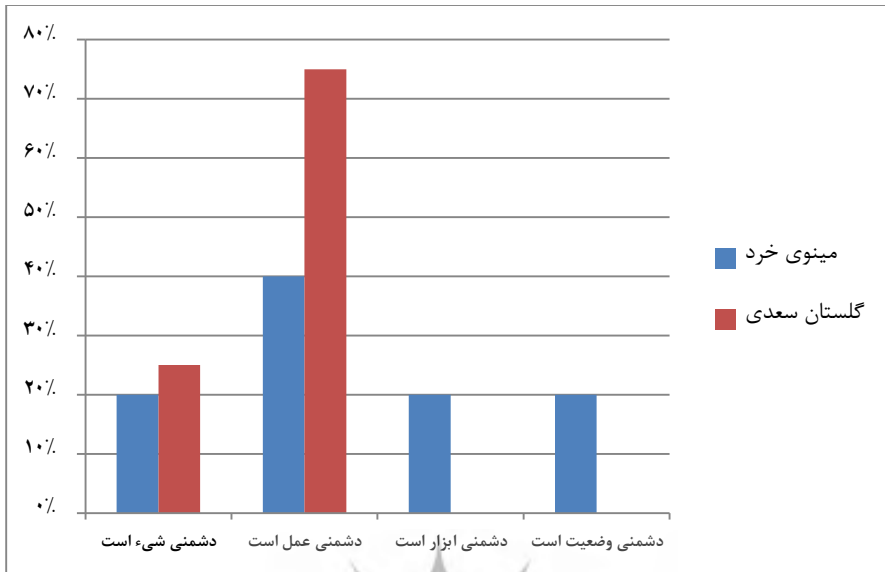
نمودار ۲- استعاره مفهومی خصمی و دشمنی در گلستان سعدی



نمودار ۳- نام‌نگاشت‌های استعاره مفهومی قهر و دشمنی در مینوی خرد به درصد



نمودار ۴- نام‌نگاشت‌های استعاره مفهومی خصمی و دشمنی در گلستان سعدی به درصد



نمودار ۵- مقایسه درصدی استعاره مفهومی دشمنی در مینوی خرد و گلستان سعدی



کتابشناسی

- ۱- افراشی، آریتا، (۱۳۹۵)، *مبانی معناشناسی شناختی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲- بختیاری، محمود؛ سراج، اشرف، (۱۳۹۵)، «*استعاره‌های مفهومی در شاهنامه فردوسی*»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معناشناسی شناختی، به کوشش آریتا افراشی، نشر نویسه پارسی، صص ۱۰۹-۱۲۸.
- ۳- پرتوی، آناهیتا؛ سعادت‌نیا، سهیل؛ حاجی‌پور، نادیا، (۱۳۹۸)، «*استعاره‌های مفهومی نم در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه*»، دو فصلنامه ادبیات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، دوره ۱، شماره ۱، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۱۶-۳۶.
- ۴- تباری، فاطمه، (۱۳۹۴)، «*استعاره‌های مفهومی خشم در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۵- تفضلی، احمد، (۱۳۴۸)، *واژه‌نامه مینوی خرد*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۶-، (۱۳۵۴)، *مینوی خرد*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۷-، (۱۳۸۶)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: سخن.
- ۸- ثقفی، عشرت، (۱۳۹۶)، «*تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی شجاعت در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای*»، پایان‌نامه دکتری، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.
- ۹- حامدی شیروان، زهرا؛ شریفی، شهلا، (۱۳۹۴)، «*بررسی استعاره‌های شناختی و مدل شناختی خشم و کینه در پنج داستان از شاهنامه فردوسی*»، مجموعه مقاله‌های همایش مخاطب‌شناسی شاهنامه و شعر حماسی فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۰- دالوند، یاسر، (۱۳۹۹)، *مینوی خرد*، با مقدمه سیروس شمیسا، تهران: کتاب‌سده.
- ۱۱- دیلمقانی، سارا، (۱۳۹۵)، «*بررسی تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی: متن سمک عیار*»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معناشناسی شناختی به کوشش آریتا افراشی، تهران: نشر نویسه پارسی، صص ۵۵-۷۷.
- ۱۲- زرشناس، زهره، (۱۳۸۹)، *زبان و ادبیات ایران باستان*، چاپ سوم، تهران: دفتر

پژوهش‌های فرهنگی.

- ۱۳- سراج، اشرف؛ بختیاری، محمود، (۱۳۹۷)، «استعاره‌های مفهومی حوزه اخلاق در شاهنامه فردوسی: رویکرد شناختی»، پژوهش‌نامه اخلاق، سال یازدهم، شماره ۴۰، صص ۱۲۷-۱۴۱.
- ۱۴- شریفی‌مقدم، آزاده؛ آزادخواه، مریم؛ ابوالحسنی‌زاده، وحیده، (۱۳۹۶)، «مقایسه استعاره‌های مفهومی غم و شادی در اشعار پروین اعتصامی»، نشریه زبان پژوهی.
- ۱۵- صفوی، کوروش، (۱۳۸۳)، از زبان‌شناسی به ادبیات، تهران: سوره مهر.
- ۱۶- فرهودی، مصطفی، (۱۳۹۲)، «اخلاق در دین زرتشت از منظر مینوی خرد»، دوفصلنامه تخصصی اخلاق و حیانی پژوهشگاه علوم و حیانی معراج، سال دوم، شماره ۵، صص ۸۷-۱۰۳.
- ۱۷- فضائی، سیده مریم؛ ابراهیمی، شیما، (۱۳۹۳)، «بررسی استعاره‌های مفهومی احساس غم» در شعر مسعود سعد سلمان»، نشریه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۶۵-۸۰.
- ۱۸- قاسمی، آزاده، (۱۳۹۴)، «بررسی استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های تصویری واژه غم در اشعار فریدون مشیری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۹- قاسمی، حسین؛ امیری، محمد عارف؛ حاجی پور، نادیا؛ پرتوی؛ آناهیتا، (۱۳۹۶)، «استعاره مفهومی "غم" در اشعار ملاعلی فاخر»، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی ملاعلی و شیخ آقا حسن فاخری، جلد ۲، مازندران: انتشارات شفلین، صص ۲۷-۵۰.
- ۲۰- قوچانی، بیتا؛ افراشی، آریتا؛ عاصی؛ سید مصطفی، (۱۳۹۵)، «استعاره‌های مفهومی حوزه ترس: در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای»، مجموعه مقالات نخستین همایش معناشناسی شناختی با کوشش آریتا افراشی، تهران: نشر نویسه پارسی، صص ۲۰۱-۲۲۶.
- ۲۱- کوشکی، فاطمه، (۱۳۹۸)، «مفهوم‌سازی «عشق و نفرت» در زبان فارسی: رویکردی شناختی، در زمانی و پیکره‌ای». پایان نامه دکتری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۲- سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۷۴)، گلستان، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
- ۲۳- مصاحب، غلامحسین، (۱۳۵۶)، دایره المعارف فارسی، جلد ۲، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

- ۲۴- ملکیان، معصومه؛ ساسانی، فرهاد، (۱۳۹۳)، «مفهوم‌سازی خشم در زبان فارسی»، نشریه پژوهش‌های زبان شناسی، سال ششم، شماره ۲، صص ۳۷-۵۶.
- ۲۵- مولودی، امیرسعید؛ کریمی دوستان، غلامحسین؛ بی‌جن‌خان، محمود، (۱۳۹۴)، «کاربست رویکرد پیکره بنیاد تحلیل الگوی استعاره در زبان فارسی: مطالعه حوزة مقصد خشم»، پژوهش‌های زبانی، سال ششم، شماره ۱، صص ۹۹-۱۱۸.
- ۲۶- نصیریان، یدالله، (۱۳۸۰)، «علوم بلاغت و اعجاز قرآن»، تهران: سمت.
- ۲۷- همتی، طاهره؛ شوقی، مریم؛ جولایی، کامیار، (۱۳۹۵)، «استعاره‌های مفهومی حرکت در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره‌مدار»، مجموعه مقالات رویکردی شناختی به بازنمود حرکت در زبان فارسی به کوشش آریتا افراشی، تهران: نشر نویسه پارسی، صص ۱۹۳-۱۷۳.

28- Jäkel, O. (2002). *Hypotheses revisited: The cognitive theory of metaphor applied to religious texts*, Metaphorik. De, 2(1), (pp 20-42).

29-Kovecses, Z. (2010). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford University Press.

30- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *The metaphorical structure of the human conceptual system*, Cognitive science, 4(2), (pp 195-208).

31- Lakoff, G. (1993). *The contemporary theory of metaphor*. In A. Ortony (Ed.), *Metaphor and thought* (pp. 202-251).

32- Montgomery, M, Durant, A, Fabb, N, Furniss, T, & Mills, S. (2007), *Ways of reading: Advanced reading skills for students of English literature*. London: Routledge.

33- Moradi, M. R. and Pirzad Mashak. Shahrzad. (2013). "A comparative and contrastive study of sadness conceptualization in Persian and English". English Linguistic Research, Vol.2, (pp107-112).

34- Saeed, J. (1997). *Semantics*. Oxford. Blackwell